

استاد محمد یگانه، بخشی شمال خراسان:

مرده هنرمندان عزیز است

سیمین سلیمانی



محمد یگانه

پیری به مشقت نیفتند؛ بهترین هنرمندان موسیقی ما وقتی پا به سن می گذارند دیگر به سختی می افتند و هیچ کس به داد هنرمندان موسیقی مقامی نمی‌رسد؛ وقتی جوان بودم می‌ترسیدم ساز خود را حمل کنم و برای حمل‌ونقل مجوز می‌خواستند انگار داریم اسلحه حمل می‌کنیم. بعد از مدتی کم‌کم جشنوارهایی برگزار شد اما مسالهای که هست در دولت جدید نیز فقط مدیر کل‌ها عوض شده‌اند فعلا آنطور که باید و شاید اتفاق خوبی نیفتاده ولی امیدواریم که از این به‌بعد اتفاقات خوبی بیفتد اما جوانان کم‌کم دارند به اصالت خود برمی‌گردند.»
بخش دوم گفت‌وگو در کارگاه استاد که در حیاط خانه است ادامه می‌یابد. هنگام حرکت به سمت کارگاه بوی چوب می‌آید؛ کلی ساز از در و دیوار کارگاه کوچک استاد آویزان شده و روی زمین خاکی‌های چوب ریخته میهمان‌ها روی صندلی‌ها می‌نشینند و جای می‌خورند آن‌هم جای با طعم گیاه آنوخ (گیاهی که در مناطق کوهستانی شمال خراسان می‌روید). استاد کمی مشغول کار می‌شود و روی یک ساز نیمه‌کاره سوهان می‌کند و با دست‌هایش که نشانه‌های سال‌ها تراش چوب را دارد به ساز شکل می‌دهد. می‌پرسم: «چرا سارا صداپشان با هم ترق می‌کند و بعضی خوش‌صدا ترند؟» می‌گوید: «دوتار باید از چوب شاتوت باشد، چوب آن نباید تر باشد. وقتی من می‌خواهم دوتاری بسازم کلسه آن را خالی می‌کنم و می‌گذارم یک‌سال بگذرد تا کاملا چوب آن خشک شود و رطوبت نداشته باشد بعضی‌ها

نگار دستمال‌چی، آهنگساز آلبوم «زیر باران»:

موسیقی را مردم حفظ کردند

آمن خادمی



نگار دستمال‌چی

نگاهی نو می‌رساند که در آثارش منجلی می‌شود. اصرار بر نوتشدن بدون توجه به طلی‌شدن مراحل آن، بدترین ضربه را به موسیقی ما خواهد زد. تا دهه ۴۰ اکثر آلبوم‌ها دلنشین و تاثیر گذار بود. بعد از دهه ۴۰ به پلی‌فونی‌شدن، ایجاد رنگ‌های صوتی مختلف و دورشدن از ردیف و اضافه‌کردن تکنیک‌های جدید و به قولی جهانی‌شدن، مردم را از موسیقی سنتی دازده کرد. **۴ بسیاری معتقدند وقتی یک آلبوم در ذهن مخاطبان جا باز می‌کند، بقیه آهنگسازان و تهیه‌کنندگان به فکر کمترین ضرر هستند و معمولا آثاری از این دست را سفارش می‌دهند.نظر شما چیست؟**

من اینطور فکر نمی‌کنم، چون تولید آلبوم یک رایش ذهنی است پس ذاتا نمی‌تواند در آن سفارش و کیی‌پرداری جایی داشته باشد.

۴ در آهنگسازی آلبومتان به چه عناصری توجه کرده‌اید؟
یکی از فرم‌هایی که من به آن علاقه‌مندم، موسیقی تصویری است. قطعاتی را به نام‌های «پروانه»، «تاتی‌ها»، «تیلوفر»، «باران» و «برف» نوشتم‌ام که در این آلبوم اجرا نشده است. غیر از قطعه «باران» که تصویری است و حس باران را زنده می‌کند، در این آلبوم بقیه قطعات وابسته به شعر هستند. باید بپذیریم موسیقی هنری تجریدی و وابسته به شعر است و من سعی کردم تلفیق شعر و موسیقی از نظر ریتم و حس، درست بیان شود و تمام سعی‌ام این است که در آلبوم بعدی تصویرسازی از طبیعت را بیشتر مدنظر قرار دهم.

۴ با انتشار این آلبوم فقط هفتان این بوده که بگویند یک زن آن را آهنگسازی کرده یا دنبال هدف دیگر بوده‌اید؟

به هیچ عنوان. خواست من، مثل هر انسان دیگری، خراج از محبت جنسیت، رسیدن به تصمیم و هدفم بود.

۴ چندی است در بسیاری از شهرستان‌ها بانوان نوازنده

دوتار را با چوب تر می‌سازند و وارد بازار می‌کنند، این تر بودن چوب دوتار، کیفیت آن را کم می‌کند.»
استاد درباره کنسرت‌هایش می‌گوید: «در سال ۷۰ با آقای مشکاتیان و ایرج بسطامی ۷۵ روز در بسیاری از کشورهای اروپا اجرا داشتیم، خیلی از این موسیقی استقبال شد و مخاطبان بسیار ارتباط گرفته بودند، الان بیش از ۴۰ سال است که دوتار تدریس می‌کنم و معتقدم اگر آموزش بدهی دریا می‌شوی و اگر آموزش ندهی خشک می‌شوی، در کنار این‌ها هر هنرمندی باید یک کار خلافتنه از خود به‌جا بگذارد و فقط کیی نکند و کار نویی به مردم ارایه دهد؛ من ۱۴ سال است که شاهنامه کار می‌کنم و با دوتار نقالی و شاهنامه‌خوانی می‌کنم اما هیچ واکنش مثبتی از سوی هیچ ارگانی دیده نشده، در حالی که باید شرایطی فراهم شود که به جوانان این‌ها را آموزش دهیم، باید فرهنگ و آداب و رسوم را ترویج داد، الان خبایه‌ای نیست که در آن موسیقی نباشد؛ هنرمند باید خودش را نشان دهد، هر کسی این هنر را آموزش بدهد یا ساز بسازد من خوشحالم چون این کار کمک به فرهنگ ماست و گمی در جهت حفظ موسیقی مقامی است.»
گفت‌وگو با استاد محمد یگانه، بخشی شمال خراسان، بیش از سه‌ساعت به طول می‌انجامد، استاد با میهمان‌نوازی و همان صداقت و سادگی خراسانی با یک موسیقی دیگر من را بدرقه می‌کند. هنگام بیرون‌رفتن از خانه، صدای چوب‌سازای از کارگاه استاد که دوباره مشغول ساختن ساز شده بود، می‌آید و با هر قدم صدا محوتر می‌شود…

دوتار را با چوب تر می‌سازند و وارد بازار می‌کنند، این تر بودن چوب دوتار، کیفیت آن را کم می‌کند.»
استاد درباره کنسرت‌هایش می‌گوید: «در سال ۷۰ با آقای مشکاتیان و ایرج بسطامی ۷۵ روز در بسیاری از کشورهای اروپا اجرا داشتیم، خیلی از این موسیقی استقبال شد و مخاطبان بسیار ارتباط گرفته بودند، الان بیش از ۴۰ سال است که دوتار تدریس می‌کنم و معتقدم اگر آموزش بدهی دریا می‌شوی و اگر آموزش ندهی خشک می‌شوی، در کنار این‌ها هر هنرمندی باید یک کار خلافتنه از خود به‌جا بگذارد و فقط کیی نکند و کار نویی به مردم ارایه دهد؛ من ۱۴ سال است که شاهنامه کار می‌کنم و با دوتار نقالی و شاهنامه‌خوانی می‌کنم اما هیچ واکنش مثبتی از سوی هیچ ارگانی دیده نشده، در حالی که باید شرایطی فراهم شود که به جوانان این‌ها را آموزش دهیم، باید فرهنگ و آداب و رسوم را ترویج داد، الان خبایه‌ای نیست که در آن موسیقی نباشد؛ هنرمند باید خودش را نشان دهد، هر کسی این هنر را آموزش بدهد یا ساز بسازد من خوشحالم چون این کار کمک به فرهنگ ماست و گمی در جهت حفظ موسیقی مقامی است.»
گفت‌وگو با استاد محمد یگانه، بخشی شمال خراسان، بیش از سه‌ساعت به طول می‌انجامد، استاد با میهمان‌نوازی و همان صداقت و سادگی خراسانی با یک موسیقی دیگر من را بدرقه می‌کند. هنگام بیرون‌رفتن از خانه، صدای چوب‌سازای از کارگاه استاد که دوباره مشغول ساختن ساز شده بود، می‌آید و با هر قدم صدا محوتر می‌شود…

موسیقی پخش شود، برنامه‌های علمی و اطلاعات در اختیار مخاطبان قرار گیرد، این انرژی و خلاقیت هدر نرفته و به‌سمت موسیقی مصرفی و عامه‌پسند نمی‌رود یا سر از شبکه‌های بیگانه‌در نمی‌آورد.

۴ نبود قانون کیی‌رایت یکی از معضلات اساسی موسیقی است، فکر می‌کنید چه مشکلاتی در راستای نبود این قانون به وجود می‌آید؟

قانون کیی‌رایت قانونی برای حفظ آثار هنری است و درک و شناخت آن به فرهنگسازی نیاز دارد که باز هم صداسیما در این زمینه می‌تواند بسیار اثر گذار باشد. مردم به زشتی زدوی آگاهند اما هنوز آگاه نیستند که کیی غیرمجاز هم نامش زدوی است ولی مشکل اصلی‌تر آنجاست که خود صداسیما هم که باید مجری این فرهنگ باشد، آواز مختلفی را بدون اینکه حق و حقوق پدیدآورندگان را رعایت کرده باشد، پخش می‌کند. در نتیجه، پیشرفت تکنولوژی و وجود سایت‌های متعدد داتلود رایگان و بی‌توجهی مسؤولان در این حوزه، ورشکستگی صنعت موسیقی، دزدگی و بی‌انگیزگی برای آهنگسازان را به دنبال آورده است. چرا مسؤولان که برای هر چیزی فیلتر می‌گذارند، برای داتلود موسیقی فیلتر نمی‌گذارند.

۴ نبود استاندارد درست برای تدریس موسیقی یکی دیگر از معضلات این هنر به شمار می‌آید. نظر شما در این مورد چیست؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌دهید؟

همگان بر این باورند که موسیقی بر پایه اصول علمی است، یعنی برای تعلیم آن به افراد تحصیلکرده نیاز است و اگر یک استاندارد درست، تدوین شود، افرادی که در این امر حضور دارند صلاحیت‌سنجی شوند، خروجی هنرچوian بازتاب بهتری خواهد داشت. آموزشگاه‌ها باید درجه‌بندی شوند و نظارت مستقیمی از طرف اساتید مطرح کشور صورت گیرد.

۴ نظرتان درباره هنرستان‌های موسیقی چیست و چرا چهره‌های شاخص به جامعه تحویل نمی‌دهند؟

هنرستان بهترین مکان برای کشف و پرورش استعداد‌های موسیقی است. تمام بزرگان موسیقی این کشور، فارغ‌التحصیل از هنرستان‌های این مملکت بودند. کسانی که در هنرستان‌ها تعلیم می‌بینند، نوازندگی آنان غیرقابل مقایسه با کسانی است که به‌طور آزاد در آموزشگاه‌ها تعلیم می‌یابند. در قدیم کسانی که فارغ‌التحصیل هنرستان بودند بلافاصله جذب صداسیما و اداره فرهنگ و هنر و بیمه می‌شدند و این به معنی انگیزه‌هاست، ولی امروز این امکان وجود ندارد. درنکات اینک خانواده‌ها صرف اینکه فرزندشان هنرستان می‌رود فرزند را ثبت‌نام می‌کنند و به کمترین چیزی که توجه دارند، ساز و موسیقی است ولی در قدیم استعدادسنجی می‌شد و کسانی که وارد هنرستان می‌شدند، عاشق ساز بودند. مسلم است وقتی عشق نباشد استاد هم نمی‌تواند عشق و انرژی بگذارد در نتیجه چهره شاخصی به جامعه عرضه نمی‌شود.

استیج

کت استیونس، خواننده مسلمان انگلیسی به صحنه باز گشت

سلام «یوسف اسلام» به موسیقی

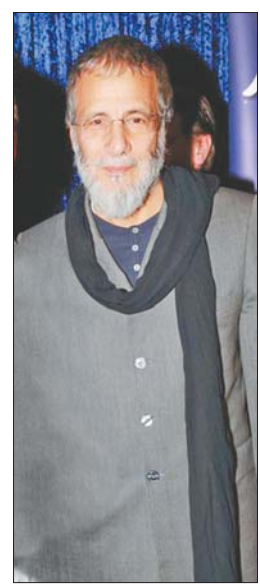
شرق: یوسف اسلام، کت‌استیونس، یا استیون دیمیتری جورجیو، خواننده ۶۶ساله انگلیسی که در ۲۹سالگی (۱۹۷۷) به دین اسلام گروید، پس از پنج‌سال دوری از دنیای موسیقی با اجرای آلبومی بازگشت خود را اعلام کرد. «به آنها بگو من رفتم جدید، یوسف استیون اسلام است که هم‌زمان نخستین تور آمریکایی او از سال ۱۹۷۶ تاکنون نیز محسوب می‌شود.

آلبوم جدید از ۱۰آهنگ تشکیل می‌شود. I was raise in Baby- lon (من در بابل مطرح شدم)، Big Boss Man (رییس بزرگ‌مرد)، Dying to Live You Are My Sun- shine (تو طلوع خورشید منی)، Editing Floor Blues Cat and The Dog (دورایش طبقه بلوز)، ۱۰Doors (درها)، ۱۰Gold Trap (کلک سنگ و گربه)، Digger The Devil Came From Kansas (جوینده طلا)، Tell ‘Em I’m Gone (بِه آنها بگو من رفتم)، و Doors (درها) ۱۰آهنگ این آلبوم را تشکیل می‌دهند که برخی از آنها در حال حاضر در سایت‌هایی مانند RollingStone.com در دسترس هستند.

یوسف اسلام با اسم واقعی استیون دیمیتری جورجیو در سال۱۹۴۸ از پدری یونانی و مادری سوئدی متولد شد و در دنیای هنر به کت‌استیونس شهرت داشت. ترانه‌های معروف او شامل دنیای وحشی (Wild World)، پدر و پسر (Father and Son) و… می‌شود. او بعد از گرایش رسمی به اسلام در سال ۱۹۷۷ به یوسف اسلام، تغییر نام داد و هم‌زمان آلبوم بازگشت به زمین (Back to Earth) را منتشر کرد. از آن زمان اجراهای او بسیار کم‌پسوده که از آن جمله می‌توان به یک فنجان دیگر (An Other Cup)، خواننده جاده (RoadSinger) و آلبوم جدیدش اشاره کرد که همگی با نام یوسف اسلام انتشار یافته است.

ترانه «پدر و پسر» این‌خواننده برای ایرانی‌ها بسیار آشنا است و طی سال‌های دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰میلادی در ایران نیز محبوب بود که بخشی از شعر آن که نصیحت پدری به پسرش را حکایت می‌کند، اینگونه است: «زمان آن نیست که تغییر ایجاد کنی، آرام باش و آسان بگیر، تو هنوز جوانی و این اشتباه تو است، چیزهای زیادی است که باید یاد بگیری، با یک دختر آشنا شو و با او ازدواج کن، به من نگاه کن، من پیرم اما شادم…»

یوسف اسلام قرار است آلبوم «بِه آنها بگو من رفتم‌ام» را در قالب یک‌تور اجرا کند. این آلبوم در تاریخ ۲۷اکتبر (پنجم آبان) در دسترس عموم قرار خواهد گرفت و بعد از آن، برنامه تور یوسف اسلام از چهارمنوامیر (۱۳ آبان) از لندن شروع شده و پس از اجرا در شهرهای بروکسل، میلان، وین، پاریس، برلین، هامبورگ، دالسلورف، تورنتو، بوستون، نیویورک، شیکاگو و سانفرانسیسکو، سرانجام در لس آنجلس در تاریخ ۱۴دسامبر (۲۳ آن) به پایان می‌رسد.



آواها

در نقد تازه‌ترین تک‌اجرای باله «هایده کیشی‌پور»

سادگی شاعرانه و هارمونی کودکانه

ستاره جاوید

تازه‌ترین تک‌اجرای «هایده کیشی‌پور»، کوشیده در نهایت سادگی و مینی‌مالیسم، از فرهنگ ایرانی بگوید که غنی است؛ غنایی که به اعتقاد کیشی‌پور، در بیان، زبان و فرهنگ ایرانی مستتر است و زبانی موزون، مودب، تاثیر گذار و تعیین‌کننده است؛ غنایی که هنرآفرینان گروه «شبیفتگان دل» کوشیده‌اند در جدیدترین مشق خود از باله ایرانی، خوانشایی تازه از فرهنگ پارسی را به نمایش بگذارند؛ بالاهی اریزنه‌شده که می‌توان گفت بعد از مدتها پرفورمنس‌دین و چشم‌های سر را با زرق‌وبرق‌های تکنولوژیک روی صحنه مملوکردن، بتوان تهران را به دمی سادگی و سماع وطنی میهمان کرده است. سماعی که بیان نوین و خلاقهای از باله ایرانی است که با نت‌های سنتور، ساز و دف، دوساعت تمام، کوشید شویدگی و دلدادگی شاعرانه گروه برای تماشاگران نمایش دهد؛ بالاهی که تنها هدفش، سخن‌گفتن با زبان بدن بود بی‌هیچ تلاشی برای طراحی صحنه یا ارایه چیدمانی خارجی. همه بضاعت تک‌اجرا بر بدن‌های تمرین‌دیده اعضای گروه استوار بود که با نورهای موج رنگ‌رنگ آرایش شده و در سایه نت‌های سحرکننده موسیقی سنتی ایرانی، کوشید جانمایهای متفاوت و برداشتی دیگرگونه از زبان پارسی و فرهنگ ایرانی را در قالب باله به نمایش گذارد.

۲۸شهرپور، گروه پرچم‌جیت «شبیفتگان دل» به سرپرستی هایده کیشی‌پور یکی از متفاوت‌ترین و در عین حال سخت‌ترین تک‌اجراهای خود را روی صحنه تالار وحدت برد تا بتوان ایرانی بار دیگر در فضای خانمانه، اجرای زنانه را به تماشا بنشینند و با باله ایرانی جمعه خود را سر کنند و به آرایش برسند.

کیشی‌پور در ابیان ایرانی» سه مولفه مهم و تعیین‌کننده تئاتر را با حرکت‌های بداهه خلاقانهای که خود طراحی کرده یکجا، جمع کرده و اجرایی که در پایان خلق کرده، چنان شاعرانه، ساده و در عین حال فاخر است که نمی‌توان تصور کرد شاهد خوانش متفاوتی از حرکات بدن و باله ایرانی ترست در تهرآن و روی صحنه تالار وحدت هستیم.

بیان ایرانی، کوشیده از هارمونی درونی بگوید از هماهنگی جان و تن، از هماهنگی شعر و شعور که در تاروپودهای تنیده‌شده پرشتاب زندگی امروز کم شده‌است. تک‌اجرای شبیفتگان دل، در تلاشی وقت‌گیر، کوشیده با زبان بدن و سماع و باله، از کلام و فرهنگ موزون ایرانی بسراید که به اعتقاد گردانندگان اجرا، هم رمزآلود است، هم می‌خرامد، هم دل می‌برد و هم باشکوه است. درواقع گروه درصداست با نوع اجرای خود بگوید کلام و فرهنگ و زبان پارسی که در شعر شعرای شیر ایرانی جاودانه شده، هم آرمیخش است، هم باشعور، هم آهنگین و هم مودب که متأسفانه این‌همه ویژگی مستتر در زبان پارسی و فرهنگ ایرانی در خیابان‌های پرترافیک هنر مدرن چندرسانه‌ای، ن‌زرم‌کم می‌رود به فراموشی سپرده شود.

گروه کیشی‌پور در سه رده سنی خردسالان، نوجوانان و بزرگسالان اجراهای تازه‌ای از باله ایرانی را که با نت‌های سازهای اصیل ایرانی ابلاغ و تلفیق شده به نمایش گذاشت. تک‌اجرا فاقد هرگونه طراحی صحنه است. هنرآفرینان و رقصندگان با دو سبک لباس وارد صحنه می‌شوند. در طراحی لباس‌ها، سادگی مدرن الهام‌بخش لباس بزرگسالان بوده و



در گروه خردسالان هم گرته‌برداری‌هایی از لباس‌های سنتی زنان ایلیاتی ایرانی صورت گرفته است.

آنچه کار کیشی‌پور را از سایر بالرین‌های همدوره‌اش متفاوت می‌کند، نگاه خلاقهای است که این بانو به باله و موسیقی داشته است. او در اقدایی تازه، سازهای سنتی ایرانی و آواهای فولکلور و کلاسیک ایرانی را با حرکات مدرن باله تلفیق کرده و محصلش در در پایان تولید کرده مردم ساده‌ای است بر دردهای تشنج‌آور زندگی امروز؛ زندگی پرشتایی که انسان‌ها را در فواصل گذر بی‌رحم زمان، با هارمونی درونی‌شان بیگانه کرده‌است. حرکات نرمی که این گروه به نمایش گذاشت و زخمه‌هایی که بر سیم‌های تار و سنتور نشست چنان ریتمی ایجاد کرد که به یاد تک‌تک تماشاگران آورد چطور از طبیعت اصیل ایرانی خود فاصله گرفته و چقدر در هنرهای مدرنی که بیشتر از پیش متنشجان می‌کند درگیر شده‌اند و این بیان درخ‌ور ایرانی را فراموش کرده‌اند.

کیشی‌پور گروه بزرگ رقصندگان و هنرآفرینانش را با انتخاب ۱۶ قطعه از ترانه‌های آپیک، لجنبد گل، بیباد، ساری گلین، صبح به‌خیر، راز باغ، دود و عود، شوریده، شهزاد، صدرنگ، برگ خزان، چهار مضارب، سماع ضربی‌ها، وطن و وروانس با چیدمانی منسجم روی صحنه هدایت کرد و ۱۲۰دقیقه نمایش بدن، باله، موسیقی فولکلور و موسیقی ایرانی را با نگاه خلاق خود جمع زد و بیانی آفرید که می‌کوشید به اندازه بضاعت خود چندین هنر فاخر ایرانی را معرفی کند؛ هنرهایی که از روحیه‌شاد، صلح‌جو و ستیزه‌گریز ایرانیان در طول تاریخ حکایت دارد و زبانش زبان شعر است و موسیقی، شعری که از ذهن حافظ رند غزلسرا و حافظه حماسه‌سرای شهیر ایرانی فردوسی وام گرفته شده و همه تلاشش این است که به زبان مدرن این بانو بگوید دامن مام وطن، زربفتی است. ۴۰تکه از ۴۰ اقلیم و فرهنگ و تنوع طبع آراسته مرمانش.

کیشی‌پور در بیان ایرانی تلاش کرده تجسمی مودبانه، باخلاق و فرهنگ‌مدارانه از یک ایرانی اصیل به نمایش بگذارد و در این راه، موسیقی منسجم، نورپردازی، طراحی لباس ایرانی و هماهنگی گروهی را نیک به خدمت گرفته و اثری که خلق کرده در نوع خود تماشاگر پسنداست. سماع گروه در تمام مدت اجرا، آلبوم کلام است و فقط راوی در فواصل میان اجراهای می‌کشد با بیانی آرام و به‌دور از هرگونه بزرگ‌نمایی‌های معمول، باوری ادیبانه از روحیه فراموش‌شده ایرانی را برای مخاطبان لقا کند.

بدن، نور و موسیقی سه مولفه بسیار مهمی هستند که کیشی‌پور به خدمت گرفته و رگه‌هایی از خلاقیت و ابداع فردی را به آنها اضافه کرده و در پایان هنری خلق کرده که باید دید و از شدت احساسات رام‌کننده آن، گریست احساسات رام‌کننده‌ای که ناخوانده به زندگی پرتلاطم وزیده و آواهای رقصانی از هماهنگی سازها و تن‌ها را به نگاه تماشاگرانش میهمان کرده است. سادگی بهشت تکرارشدای که هنرمندان بزرگسال نمایش دادند و هارمونی کودکانه معصومی که بالرین‌های کوچولو‌ی خردسال خلق کردند چنان شواکنیز و آرمیخش بود که بیره‌ا نغفتم‌هنر اصیل ایرانی از آرامشی می‌سراید که همه به‌نوعی در طلب آنیم؛ حس خوب آرامش؛ گوهر گمشده زندگی امروز که در هزارتوی زندگی پرشتاب جان باخته است.